

آینده انقلاب اسلامی و قدرت نرم آموزش عالی

حسین رضاپور*

محمد حسین فتاحیان**

چکیده

پژوهش حاضر تلاش می‌کند تحلیلی از آینده کارکرد آموزش عالی جمهوری اسلامی، در تأمین اهداف انقلاب اسلامی براساس اسناد بالادستی از جمله سند چشم انداز، نقشه جامع علمی کشور و الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و روش روند شناسی و ظرفیت شناسی، تأثیرات آینده کارکرد آموزش عالی در چهار بخش تولید علم و فناوری، انتقال دانش و ارزش، نشر و اشاعه دانش و ارزش و جامعه پذیری و فرهنگ سازی را در منطقه و جهان ارائه دهد.

مهمترین تأثیرات آینده کارکرد آموزش عالی (چهاربخش) در تأمین اهداف انقلاب اسلامی (حفظ انقلاب، ارائه الگوی اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی و قدرت جهانی انقلاب اسلامی) عبارتند از: ارائه تصویری مثبت از انقلاب اسلامی، مرجعیت علمی، اقتدار علمی و شکل‌گیری تمدن اسلامی، توسعه منابع انسانی، بهبود مستمر فضای حاکم بر تربیت و اصلاح نگرش‌های ضد تربیتی در نظام آموزش عالی، جذابیت و صدور انقلاب و الگو شدن، مشروعیت سیاسی، افق‌گشایی و احیای هویت دینی، گسترش و بیداری اسلامی و... .

واژگان کلیدی

قدرت نرم، آموزش عالی، آینده پژوهی، انقلاب اسلامی، پیشرفت.

r.hosein14@yahoo.com

fattahin@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۶/۷/۲۰

*. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی سمنان.

** استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه شهر کرد.

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۲۰

مقدمه

هر نظام سیاسی باید بتواند افق‌های دورتر را ببیند و برای وقایع آن برنامه‌ریزی نماید. انجام کارهای بنیادی و تحقیقات راهبردی که برای حیات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی جامعه راهگشا باشد از وظایف آموزش عالی است. (جمال‌زاده، ۱۳۸۷: ۳۴۹) اما تاکید بر مطالعات آینده در حوزه آموزش عالی به جهت اهمیت راهبردی علم، دانش و فناوری در چشم‌انداز آینده جهانی و نخستین عرصه رقابت بشری است. لذا غفلت از آینده انقلاب اسلامی به‌ویژه در حوزه علم و دانش و عدم طراحی مدل‌ها، سناریوها و چشم‌اندازهای مطلوب مدیریتی جهت مواجهه با اوضاع پیش آمده، قطعاً پرهزینه و صدمات غیرقابل‌جبرانی در بر خواهد داشت. به علاوه یکی از پایه‌های اصلی تحقق پیشرفت و عدالت؛ از جمله رویکردهای آرمانی انقلاب اسلامی، گسترش علم و تعمیق آن در آینده است. پس مسئله اصلی منتج از مطلب فوق توجه به مطالعات آینده انقلاب اسلامی در حوزه علم و فناوری است که یک چشم‌انداز آرمانی تلقی می‌شود. (الوین تافلر، ۱۹۹۳: ۱۶)

آموزش عالی به‌عنوان مهم‌ترین عامل فرهنگ و تمدن‌ساز کشور یکی از مهم‌ترین منابع قدرت نرم محسوب می‌گردد و می‌تواند در افزایش کارآمدی قدرت نرم انقلاب اسلامی، در محیط جهانی و منطقه‌ای ایفای نقش نماید. بر این اساس سؤال اصلی پژوهش پیش‌رو این است که آموزش عالی با توجه به کارکردهایی که دارد چه تأثیراتی در تأمین اهداف و افزایش قدرت نرم انقلاب اسلامی در منطقه و جهان خواهد داشت؟

در این مقاله به منظور ارائه تحلیلی از آینده قدرت نرم آموزش عالی جمهوری اسلامی، در تأمین اهداف انقلاب اسلامی تلاش می‌کنیم براساس اسناد بالادستی^۱ از جمله سند چشم‌انداز، نقشه جامع علمی کشور و الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و روش‌رشدشناسی و ظرفیت‌شناسی، تأثیرات آینده کارکرد آموزش عالی در چهار بخش تولید علم و فناوری، انتقال دانش و ارزش، نشر و اشاعه دانش و ارزش و جامعه‌پذیری و فرهنگ‌سازی را در منطقه و جهان مورد شناخت و تحلیل قرار دهیم.

مفاهیم و کلیات

قدرت نرم

قدرت نرم در گفتمان اسلامی به شدت اخلاقی و روش‌مند است؛ به گونه‌ای که بین قدرت و سلامت نفس

۱. منظور از اسناد بالادستی، اسنادی است که به تصویب بالاترین مرجع قانون‌گذاری رسیده است و جنبه قانونی دارد. این اسناد باید جهت‌دهی محور برنامه‌ریزی بلند مدت، میان مدت و کوتاه مدت کشور به منظور پیشرفت همه جانبه قرار گیرد. در اینجا اسناد بالادستی از جمله؛ قانون اساسی، سند چشم‌انداز و نقشه جامع علمی کشور و برنامه‌های پنج ساله توسعه مورد نظر است. بر این مبنای که اگر ملتی و تمدنی بخواهد در آینده بازیگر اصلی باشد باید با اطلاع از ممکن‌ها و محتمل‌های آینده، آینده مطلوب خود را مشخص نماید. طراحی چنین آینده‌ای برآیندی از جایگاه آینده‌نگری در اسناد بالادستی در جمهوری اسلامی ایران است.

پیوند می‌زند. (افتخاری، ۱۳۹۰: ۱۳ - ۱۰) براین اساس «قدرت نرم» به قدرت برآمده از اعتقاد و ایمان به امر متعالی اشاره دارد که از درون شبکه روابط هنجاری تولید می‌شود. (افتخاری، ۱۳۹۰: ۱۸ - ۱۷)

آینده پژوهی

عبارت است از توانایی ایجاد و حفظ یک چشم‌انداز جامع و علمی از آینده و استفاده از این چشم‌انداز برای اتخاذ برنامه‌های مفید در حوزه‌های مورد نظر. (دی تور، بهار ۱۳۷۸: ۱۰۳ - ۱۰۱)

یکی از راه‌های شناسایی آینده قدرت نرم آموزش عالی روندشناسی تجزیه و تحلیل روند (Trend Analysis) است. دلیل انتخاب روش «تحلیل روند» به این جهت است که؛ این روش از موضوعات مهم و جالب آینده‌پژوهی و از جمله قدیمی‌ترین و دیرپاترین ابزار پیش‌نگری است که ایده‌های از چگونگی تعمیم تحولات گذشته و حال به آینده با این فرض که آینده تداوم گذشته است ارایه می‌کند. (منزوی، ۱۳۸۹: ۵۲) در موضوع بحث ما روندشناسی تاریخی در واقع بیان تحقق تدریجی افق‌ها و امکانات آرمانی است. (مظاهری، ۱۳۹۳: ۵۴) یکی دیگر از راه‌های شناسایی آینده قدرت نرم آموزش عالی شناسایی ظرفیت‌های آن است. مراد از ظرفیت‌ها کلیه داشته‌های بالقوه و بالفعل و بهره‌گیری کافی از آنها است که بستر شکل‌گیری آینده مطلوب را فراهم می‌کند. (همان: ۴۸) در پژوهش حاضر سعی خواهیم کرد با توجه به این دو روش تحلیلی از آینده قدرت نرم آموزش عالی جمهوری اسلامی در تأمین اهداف انقلاب اسلامی ارائه دهیم.

الف) تأثیرات آینده کارکرد تولید علم و فناوری بر اهداف انقلاب اسلامی

یکی از مهم‌ترین اولویت‌های هر نظام سیاسی، تلاش در راستای دستیابی به توسعه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است. این مسئله در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز از اهمیت بسیاری برخوردار می‌باشد به گونه‌ای که در اسناد فرادستی و فرودستی کشورمان به این موضوع توجه ویژه‌ای شده و برنامه‌های پنج ساله توسعه کشور، سند چشم‌انداز بیست ساله و نام‌گذاری دهه چهارم انقلاب به نام دهه عدالت و پیشرفت - وجایگاه محوری علم و فناوری در آن - نشان دهنده اهمیت این موضوع در میان سیاست‌گذاران نظام جمهوری اسلامی ایران بوده است. اینکه انقلاب اسلامی به حق تشخیص داده که راه غلبه بر عقب‌ماندگی مزمّن تاریخی ملت ایران در «علم» است. یعنی اگر بخواهیم بر یکی از مهم‌ترین آسیب‌های ملی یعنی عقب‌ماندگی غلبه کنیم مهم‌ترین و اولویت‌دارترین راه پرداختن به علم است. از این طریق می‌توان این امر مهم را محقق کرد. امروزه نقش تعیین کننده علم و فناوری در رشد

و توسعه کشورها و ارتباط بسیار نزدیک توسعه اقتصادی با ظرفیت یک کشور در به دست آوردن، خلق، جذب، اشاعه و استفاده از فناوری به یک باور عمومی تبدیل شده است.

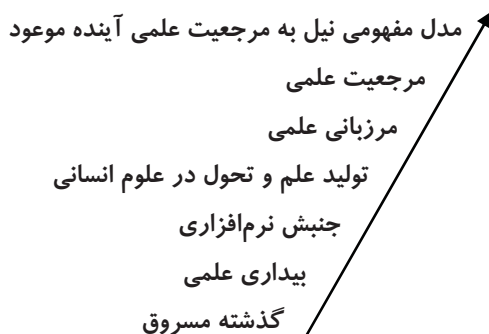
تأثیرات آینده کارکرد تولید علم و فناوری در تأمین اهداف انقلاب اسلامی (حفظ انقلاب، ارائه الگوی اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی و قدرت جهانی انقلاب اسلامی) عبارت است از:

۱. ارائه تصویر مثبت از انقلاب اسلامی

در جمهوری اسلامی ایران دانشگاه مبدأ تحولات فکری، علمی، سیاسی و اجتماعی است و قادر است با بهره‌گیری از فناوری جدید، ضمن ارتقاء تولید علم جایگاه ایران را در منطقه و جهان افزایش دهد. علاوه بر آن بومی کردن علم و کمک به خودباوری و ارتقای کارآمدی نظام و رشد مدیریتی کشور و گسترش جنبش نرم‌افزاری به عنوان هسته‌ای اصلی تولید علم تصویر مثبت از ایران در عرصه جهانی ارائه دهد. تصویری که ضمن حفظ اصالت‌های تاریخی کشور و باورهای آن ایران را بر قله رفیع پیشرفت و توسعه قرار می‌دهد. در نتیجه این پیشرفت استقلال و آزادی کشور به عنوان مهم‌ترین دستاورد انقلاب حفظ گردیده و موقعیت مردمی سیستم سیاسی کشور یعنی مردم سالاری دینی فقه محور ارتقاء و جایگاه آن در داخل و خارج تحکیم می‌یابد. (افتخاری، ۱۳۸۷: ۱۹۱)

۲. مرجعیت علمی با تحول در علوم انسانی

با تحول در علوم انسانی و جنبش نرم‌افزاری حرکت به سمت مرجعیت علمی که از دیدگاه رهبر معظم انقلاب به عنوان یک استراتژی تبیین شده است، در راستای آینده قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران قابل تفسیر است. علم و دانش به مثابه عامل افزایش توان فرهنگی و فکری جوامع گذشته‌ای پربار در ایران داشته که به سرقت رفته و آینده موعود ماست که بدان بشارت داده شده است. تحقق این که ما را به مرجعیت علمی نیز خواهد رساند کاربردی نمودن مدل مفهومی است که در شکل زیر نشان داده شده است. (گودرزی، ۱۳۸۷: ۱۴۷ - ۱۴۰)



براساس ظرفیت‌ها و تحلیل روند و سند چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴ «جمهوری اسلامی ایران با اتکال به قدرت لایزال الهی و با احیای فرهنگ و برپایی تمدن نوین اسلامی - ایرانی برای پیشرفت ملی، گسترش عدالت و الهام‌بخشی در جهان، کشوری برخوردار از انسان‌های صالح، فرهیخته، سالم و تربیت یافته در مکتب اسلام و انقلاب و با دانشمندانی در تراز برترین‌های جهان؛ توانا در تولید و توسعه علم و فناوری و نوآوری و به‌کارگیری دستاوردهای آن و پیشتاز در مرزهای دانش و فناوری با مرجعیت علمی در جهان» خواهد بود.

رهبر معظم انقلاب اسلامی با درکی هوشمندانه از ظرفیت کشور بارها بر لزوم بهره‌برداری بهینه از مجموعه منابع کشور برای حرکتی منظم و پیوسته از وضعیت موجود به جایگاه علمی آرمانی، در قالب نقشه جامع علمی کشور تأکید داشته‌اند. (سند چشم‌انداز دانشگاه تهران در افق ۱۴۰۴)

اگر بخواهیم دارای شاخص‌های پیشرفته و فوق‌روز در حوزه ملی و فراملی باشیم باید در حوزه تولید علم و فناوری به خودکفایی و در نهایت به مرجعیت علمی برسیم، رهبر معظم انقلاب اسلامی در اجرای بند یک اصل ۱۱۰ قانون اساسی سیاست‌های کلی «علم و فناوری» را که پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین شده است، ابلاغ کردند. (متن کامل سیاست‌های کلی «علم و فناوری» در سایت: دفتر مقام معظم رهبری) اجرای این سیاست‌ها در آینده می‌تواند ما را به مرجعیت علمی و در نهایت قدرت جهانی و منطقه‌ای تبدیل نماید و راه رسیدن به تمدن اسلامی را هموار نماید.

۳. شکل‌گیری تمدن اسلامی

تمدن اسلامی فقط خواسته و مطلوب انقلاب اسلامی نیست بلکه علاوه بر آن اولاً: روند تاریخی پیشرفت علمی ملت ایران به ویژه در چند دهه اخیر، ثانیاً: ظرفیت تمدنی آموزش عالی کشور تحقق چنین آینده‌ای را نوید می‌دهد. «ملت ایران همچنان که شأن اوست، در حال پدید آوردن یک تمدن است ... ما در این صراط و در این جهت هستیم. نه این که ما تصمیم بگیریم این کار را بکنیم بلکه حرکت تاریخی ملت ایران در حال به وجود آوردن آن است.» (بیانات مقام معظم رهبری: ۱۳۷۳/۱/۱) برای شکل دادن به این مرحله، نیازمند در اختیار گرفتن دو حوزه کلیدی است: حوزه تعلیم و حوزه تربیت مدیران و کارگزاران نظام اسلامی. تمدن برساخته توانمندی علمی، همه‌گیر شدن روحیه دانش و فراگیر شدن خردورزی است و اساساً تمدن و علم، دوروی یک سکه‌اند. (کریمی مله، ۱۳۸۰: ۳) با توجه به تحولی که در حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها در حال وقوع است. به نظر می‌رسد در آینده شاهد تحول در علوم انسانی و شکل‌گیری گفتمان علوم انسانی اسلامی که پایه اصلی تولید علوم اسلامی است و تمدن اسلامی کامل‌ترین نقطه ارتقا و بسط انقلاب اسلامی تا پیش از ظهور حضرت حجت است باشیم.

آموزش عالی کشور ظرفیت تمدنی خود را از دو طریق و از دو منبع به دست آورده است: از منبع دینی و ظرفیت‌های متخذ از منبع بشری. در میان همه ادیان و آیین‌ها، دین اسلام و آیین تشیع مهم‌ترین خاستگاهی هستند که می‌توانند منشأ بودن این منبع هم در بعد نظری و هم بعد عملی باشند، یعنی اسلام و تشیع هم در مقام نظر و تفکر تمدن‌زا هستند، فارغ از این که عملاً به تمدنی دست‌یافته باشند یا خیر، و هم در مقام عمل و در بستر تاریخ از تجربه تمدنی برخوردارند. آموزه‌های اسلام و تعالیم ائمه اطهار منبعی بسیار غنی برای تمدن‌سازی و تمدن‌زایی است. (مظاهری، ۱۳۹۳: ۱۴۴ و ۱۴۵) همه دانشمندان مسلمان و بسیاری از مستشرقان پژوهشگر درباره مبانی اسلام بر این باورند که اسلام تنها دینی است که اندیشه آرمانی جامعی درباره زندگی فردی و حیات اجتماعی ارائه می‌دهد. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۹۴) و از معیارهای جهان‌بینی خوب و کامل آرمان‌ساز و آرزو خیز بودن آن است. (مطهری، ۱۳۶۸: ۲ / ۸۴) مکتبی که عاری از این خصوصیت باشد، شوق و رغبت را از پیروانش می‌گیرد. (همان: ۳۳) بلندنگری و تعالی‌خواهی اسلام در سه بعد فردی (فطرت)، اجتماعی (حیات طیبه) و تاریخی (سیر از هبوط تا ظهور) نمایان است. (مظاهری، ۱۳۹۳: ۱۷۰ - ۱۵۴) انقلاب اسلامی که بر پایه اسلام و تشیع بنا شده و موجب احیای آن در سطح جهان شده استفاده از این ظرفیت‌ها را آغاز نموده است.

مراد از منبع بشری نیز کلیه تجارب و داشته‌های تاریخی است که می‌شود در بالندگی و تکامل انقلاب اسلامی از آن بهره‌برداری کرد. (همان: ۱۴۷) در اسلام گذشته از تشویقی که به تعلیم و تعلم شده است، یکی از عوامل شکوفایی استعدادها این بود که مرزها را درهم شکست و در اثر درهم شکستن مرزها تلاقی بین تمدن‌ها واقع شد و در این تلاقی‌ها بود که ایرانی‌ها که بالفطره استعدادشان خوب بود توانستند استعدادشان را بروز دهند. (مطهری، ۱۳۶۸: ۱۳ / ۸۰۵)

یکی از ویژگی‌های تمدن گذشته اسلامی وجود فضای تبادل فرهنگی و تلاقی تمدنی بود؛ فضایی که در آن، هم مسیر تاریخ همه علوم گذشته از تمدن اسلامی عبور کرد و همچنین علوم و دستاوردهای نو و جدیدی نیز قافله علم و تمدن را همراهی کرد. این ویژگی در تمدن آینده اسلامی نیز وجود خواهد داشت، منتها نحوه این عبور و ورود با گذشته متفاوت خواهد بود. تغییر تمدن‌ها در گذشته به دلایل مختلف از جمله جهانی نبودن آنها عمدتاً به شکل مرگ و حیات بوده است. اما به نظر می‌رسد نوع تصرف و عبور از تمدن غربی به چند جهت با گذشته متفاوت است:

یک: این تمدن جنبه فرهنگی و ایدئولوژیک بیشتری نسبت به تمدن‌های گذشته دارد. به همین دلیل نوع اضمحلال و انقراض و همچنین عبور از آن فرهنگی است و این روند تغییر را متفاوت و کند می‌کند. به تعبیر برخی متفکران «عبور از تمدن غرب به دو صورت امکان‌پذیر است: اول این که تمدن فرامدرن

بر ویرانه‌های تمدن مدرن ساخته شود و دوم اینکه از دل آن، بدون طی کردن پروسه اضمحلال، زاییده شود. به نظر می‌رسد نوع عبور از تمدن کنونی غرب صورت دوم باشد.» (به نقل از: مظاهری، ۱۳۹۳: ۱۴۹ و ۱۵۰)

دو: تمدن غربی بر پایه غفلت از فطرت الهی و در نتیجه انکار عالم معنا بنا شده است. به همین دلیل نشانه‌های تمدن آینده با تذکر به فطرت الهی نمایان می‌شود و انقلاب اسلامی، با عنوان احیاگر تمدن اسلامی، تذکر و برگشتی به فطرت الهی است.

سه: تمدن کنونی غرب با جهانی‌سازی و با سرپوش گذاشتن بر دیگر تمدن‌ها و فرهنگ‌ها خود را اثبات کرده است. در واقع تمدن غربی به همگان القا کرده است که فرهنگ‌های دیگر تجربه تمدنی خود را عرضه کرده‌اند و هیچ کدام نتوانسته‌اند در تاریخ باقی بمانند. تمدن غربی بر پایه میراث همه تمدن‌های گذشته البته با تغییر جهت اساسی در آنها، تغییر جهتی که هیچ مناسبتی میان آن و جهت تمدن غربی نیست، بنا شده است. غرب تاریخ همه ملل و فرهنگ‌های دیگر را دوران طفولیت خود معرفی می‌کند و خود را دوران بالندگی همه تمدن‌ها و فرهنگ‌های گذشته می‌پندارد. (همان: ۱۵۲ - ۱۴۹)

اما به هر حال این سلطه در حال افول است و انقلاب اسلامی با پیشرفت‌های علمی خود خروج از این انحصار را آغاز کرده است. به تعبیر هانتینگتون گسترش غرب به انتها رسیده و طغیان علیه غرب آغاز شده است. (هانتینگتون، ۱۳۷۸: ۸۲)

بنابراین داشتن یک مکتب مترقی که توان هدایت بشری به سمت صلاح دنیوی و اخروی دارد، می‌تواند انرژی بسیار متراکمی را برای پیشرفت و تمدن‌سازی در اختیار بگذارد. لذا این عامل که قبلاً تمدن بزرگ اسلامی را به جهانیان نشان داده است در عصر جدید و پس از انقلاب اسلامی می‌تواند با ظرفیت درونی، خود را با جهان تطبیق نموده و تمدن اسلامی افول‌یافته در اعصار گذشته را با قدرتی بیشتر احیا نموده و براساس آن جامعه به گستره کل جهان نشان دهد. (اکبری، ۱۳۸۲: ۱۴)

۴. اقتدار علمی

پایه اول اقتدار علمی این است که در ملت اقتدار، خود باوری، توانمندی و ... ایجاد کند و آن را به منطقه و جهان عرضه نماید. دانشگاه با توجه به ظرفیت‌ها و روند موجود و نقشه راه می‌تواند از پایگاه خودش تحقیرزدایی و ایجاد اقتدار بکند. البته چون در کشور ما نظامات مدرن در بخشی از بخش‌های آن وجود دارد، یک سری نیازمندی‌ها هم داریم، دانشگاه آن نیازمندی‌ها را نیز جواب می‌دهد. استراتژی اقتدار علمی بر نظام موضوعاتی به عنوان بافت پایان‌نامه‌ها و تحقیقات تاکید میکند که نتیجه پردازش این نظام موضوعات منجر به نظام‌سازی ذهنی، تحقیرزدایی و روحیه خودباوری در جامعه می‌شود. با توجه به آنکه اقتدار علمی و استقلال علمی با یکدیگر تفاوتی بسیار ظریف دارند. چرا که امروزه دانشگاه‌ها باید نیازهای

فعلی کشور را پاسخ دهند و در حال حاضر دانشگاه‌های کشور ما بر اساس نظام معادلات مدرن اداره می‌شوند، ولی غرض نباید این باشد که تصویر دانشگاه در ذهن مسئولان و نخبگان همین نظام معادلات مدرن باشد. به عبارت دیگر فعلا بر همین اساس از وابستگی کشور جلوگیری کند؛ ولی به تدریج با تحقیرزدایی از لایه اول عبور کرده و به لایه دوم ورود پیدا می‌کند. حال ممکن است این سؤال طرح شود که شما که این نظام علمی را قبول ندارید، پس چرا در آن ورود پیدا کردید؟ پاسخ آن است که اگر از ابتدا مطرح می‌کردیم که قصد داریم علمی جدید و متناسب با ارزش‌های خودمان بسازیم، به علت تحقیر صورت گرفته در گذشته این اتفاق رخ نمی‌داد. اما با طی یک پروژه بیست ساله که امام خامنه‌ای تعریف کردند، جامعه علمی، کشور ایران و حتی مسلمانان جهان را از این تحقیر علمی خارج می‌کنند. حال اگر ایران به رتبه چهارم علمی دنیا برسد، و به عبارتی در ردیف چهار کشور علمی دنیا قرار بگیرد، این سخن که قصد داریم معادلات جدید علمی ایجاد کنیم، در عرصه بین‌المللی و داخلی بی‌ربط به نظر نمی‌رسد.

مرحله اول اقتدار علمی، باید بر اساس استانداردهای علمی دنیا باشد. که دانشگاه‌های ایران در این مرحله هستند. بنابراین ما در مرحله پاسخگویی علمی به نیازهای توسعه مادی هستیم؛ و مرحله آینده ما پاسخگویی علمی به نیازهای مبنایی انقلاب اسلامی یعنی نظام‌سازی اسلامی است. اما قبل از تحقق مرحله پاسخگویی به نیازهای مبنایی انقلاب لازم است، یک دوره‌ای تحت عنوان فهم چگونگی پاسخگویی دانشگاه به مبنای انقلاب تعریف شود. چرا که دانشگاه باید تصویری از مبنای انقلاب داشته باشد تا بتواند برای آن تولید معادله کند. بنابراین برای انتقال به دوره آینده یعنی مرحله پاسخگویی به نیازهای انقلاب باید مرحله‌ای برای فهم چگونگی پاسخگویی به نیازهای انقلاب برای دانشگاه تعریف کنیم. لذا در حال حاضر انقلاب اسلامی بوسیله دانشگاه فعلی - که بر اساس پاسخگویی به نیازهای توسعه مادی اداره می‌شود - مشغول ایجاد اقتدار علمی است. اگر از ادبیات انقلاب سؤال شود: چرا به دنبال انرژی هسته‌ای و هایتک‌ها هستید؟ پاسخ می‌دهند که اولاً به این فناوری‌ها نیازمند هستیم؛ ثانیاً ما به دنبال اقتدار علمی هستیم و البته دلیل اصلی ما نیز همین است. به عبارت دیگر در حال حاضر مشغول شکستن تحقیری که در دوره قاجار و پهلوی توسط روشنفکران اتفاق افتاده است؛ هستیم.

بنابراین مرحله دوم اقتدار علمی، فهم پاسخگویی علمی دانشگاه به نیازهای انقلاب است. و مرحله سوم، پاسخگویی علمی به نیازهای علمی انقلاب اسلامی نام دارد. لذا اگر توجه شود در هر سه دوره اقتدار علمی اشراب شده است. اکنون که دانشگاه گمان می‌کند به دنبال توسعه مادی است، می‌شود برای ایجاد اقتدار از آن استفاده کرد. وقتی دانشگاه از تحقیر خارج شد، باید پروسه‌ای را شروع کرد که فهم نظام‌سازی اسلامی در دانشگاه ایجاد شود. هر گاه این فهم در دانشگاه‌ها ایجاد شود، به مرحله سوم وارد

خواهیم شد. بنابراین مراحل سه گانه تحقق اقتدار علمی عبارت است از اقتدار علمی در فضای استقلال علمی، اقتدار علمی در فضای فهم نظام‌سازی اسلامی و اقتدار علمی در فضای تولید معادلات برای نظام‌سازی اسلامی. که هر سه لایه منجر به ایجاد اقتدار می‌شود.

بنابراین نقشه راه تحول در دانشگاه شامل ۲۷ موضوع غیر قابل حل ساینس است. که اولاً اقتدار بین‌المللی برای نظام حاصل می‌شود و ثانياً اجمالاً نظام‌سازی اسلامی نیز تبیین می‌شود. این‌شاء‌الله اگر مرحله دوم نیز محقق شود، یعنی بتوانیم برخی از مسائل غیر قابل حل برای دستگاه فکری غرب را حل کنیم، می‌توانیم وارد مرحله سوم یعنی تولید معادلات در همه عرصه‌های زندگی بشر بشویم، که آن هم لوازم دیگری دارد. در حال حاضر نقشه راه در مرحله شناسایی مسائل غیر قابل حل است. به عبارت دیگر نقشه راه به دنبال مسائل پزشکی، اقتصادی، جامعه‌شناسی و ... است که غرب تاکنون نتوانسته است به آنها پاسخ دهد. اگر ما بتوانیم به آنها پاسخ بدهیم، نتیجه آن تحقیر علمی غرب و اقتدار علمی ما می‌شود. در آن زمان گزارش پایش فرآیند انتقال که در نقشه راه وجود دارد؛ منتشر می‌شود. و مطالعه این گزارش‌ها منجر به فهم اجمالی نظام‌سازی اسلامی در جامعه می‌شود. و پس از آن آغاز مرحله سوم می‌باشد.

موضوع انتقال ما به مرحله سوم در دانشگاه‌ها الگو اداره جامعه است. یعنی اگر الگوی اداره جامعه را خرد کنیم و از دانشگاه‌ها بخواهیم برای اداره جامعه متناسب با ارزش‌ها و شرایط خودمان الگویی تولید بکنیم، این سخن با استقبال دانشگاه مواجه می‌شود. چرا که حتی افرادی که الگوی غربی را مناسب می‌دانند، قبول دارند که امروز ما برای اداره کشور براساس فرهنگ خود، الگوی مشخصی نداریم. پس همه حاضر به مشارکت در این پروژه هستند. به این بیان که یک ابر پروژه ملی با نام تبیین چگونگی اداره جامعه ایران تعریف بشود. و این ابر موضوع به ریز موضوعات نیز تقسیم شود. به عنوان مثال الگوی تغذیه، آموزش، سلامت، بهداشت، امنیت، سیاست، عدالت و ... که نقشه راه در نه محور اصلی و ۲۷ ریز موضوع این بحث را جمع‌بندی کرده است. اگر این مسئله روی میز دانشگاه قرار بگیرد، به تدریج زمینه فهم نظام‌سازی اسلامی در دانشگاه‌ها را ایجاد می‌کند. پس وحدت موضوع انتقال ما از مرحله دوم به مرحله سوم نحوه اداره جامعه است، به عبارت دیگر محل تجمیع ۲۷ موضوع غیر قابل حل در دستگاه فکری غرب، مسئله اداره جامعه در بخش‌های مختلف است. به عنوان مثال در مسئله امنیت که مسئله‌ای غیر قابل انکار برای هر جامعه‌ای است، جامعه آمریکا نتوانسته است، در کشورش امنیت را پیاده کند. بنابراین ما برای ایجاد امنیت نمی‌توانیم از مدل‌های آنها استفاده کنیم. در این صورت اگر به این مسئله پاسخ دهیم در ضمن آنکه یک مسئله ضروری برای یک کشور را حل کرده ایم، توانسته‌ایم کار آمدی نظام فکری خود را ثابت کنیم. و فهمی و لو اجمالی از نظام‌سازی اسلامی در ذهن مخاطبان ایجاد کنیم.

بنابراین وحدت موضوعات (انتقال دانشگاه به مرحله پاسخگویی به نیازهای علمی مبنای انقلاب اسلامی) نحوه اداره جامعه است. بنابراین با پردازش نحوه اداره جامعه ایران از مرحله دوم اقتدار علمی به مرحله سوم اقتدار علمی انتقال پیدا می‌کنیم. در حال حاضر ما نقشه این موضوعات را داریم و آماده طرح می‌باشد. (علی بابایی، ۱۳۹۳: ۳۳ - ۲۶) بنابراین اقتدار علمی در نهایت منجر به حفظ انقلاب ارائه الگوی اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی و قدرت جهانی انقلاب اسلامی می‌شود.

ب) تأثیرات آینده کارکرد تربیتی آموزش عالی بر اهداف انقلاب اسلامی

بر اساس سند چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴، ایران دارای جایگاه ممتاز در خلق علم و فناوری بوده که از نظر علمی، در سطح جهانی و منطقه‌ای مرزسکن و تربیت‌کننده انسان‌هایی مؤمن، فرهیخته، آزاداندیش و کارآفرین می‌باشد. (همان) مهم‌ترین تأثیرات آینده کارکرد تربیتی آموزش عالی در تأمین اهداف انقلاب اسلامی (حفظ انقلاب، ارائه الگوی اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی و قدرت جهانی انقلاب اسلامی) عبارت است از:

۱. اصلاح نگرش‌های ضد تربیت در نظام آموزش عالی

با توجه به نقشه راه تولید الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که توسط شورای راهبردی الگوی اسلامی پیشرفت در حال تدوین و تصویب است و با توجه به ظرفیت‌های موجود در نظام آموزش عالی کشور ما شاهد اصلاح نگرش‌های ضد تربیت و در نتیجه افزایش کارکرد تربیتی آموزش عالی در تأمین اهداف انقلاب اسلامی خواهیم بود.

به اعتقاد اولین نقشه راه تولید الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت اصلی‌ترین نهاد متکفل تربیت نهاد خانواده است. به عبارت دیگر اگر خانواده وجود نداشته باشد، تربیت اسلامی به شکل کامل محقق نخواهد شد. بنابراین برای تحقق تربیت اسلامی باید نگرش‌های ضد نهاد خانواده شناسایی و اصلاح شود. چرا که هر مدل ضد خانواده، ضد تربیت اسلامی است. به عبارت دیگر نقشه راه تولید الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت معتقد است برای حل مسئله تربیت باید فضای حاکم بر نهاد خانواده دائماً بهبود یابد. و اگر بدون توجه به فضای حاکم بر مسئله تربیت و صرفاً ناظر به عوامل درونی تربیت برنامه‌ریزی شود؛ عوامل بیرونی مؤثر بر تربیت و یا به عبارت نقشه راه؛ نگرش‌های ضد تربیت، مانع تحقق کامل تربیت اسلامی در خانواده میشوند. بنابراین در مسئله تربیت این گونه است که مهم‌ترین عوامل تربیت، عوامل بیرونی تربیت است که باید اصلاح شود.

یکی از عوامل بیرونی مؤثر بر تربیت، نظام آموزش و آموزش عالی کشور است. چون هر پسر و دختری که تشکیل خانواده می‌دهند، مدت‌ها در این نظام آموزشی تحصیل کرده است. و اگر این نظام

آموزشی، آموزش‌های متناسب با نهاد خانواده را به دانش‌آموزان منتقل نکند، این افراد در زندگی مشترک دچار مشکل می‌شوند؛ درحالی‌که مقصر ایشان و یا والدین نبوده‌اند. بلکه ریشه این مشکل، نگرش خاصی است که بر نظام آموزشی حاکم بوده است. (علی بابایی، ۱۳۹۳: ۱۴ - ۱۱) که این نگرش با اجرای طرح نقشه راه تولید الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت اصلاح خواهد شد و کارکرد تربیتی آموزش عالی هم افزایش پیدا خواهد کرد و در نتیجه موجب افزایش قدرت نرم انقلاب اسلامی در منطقه و جهان خواهد شد.

۲. بهبود مستمر فضای حاکم بر تربیت

با توجه به نقشه راه تولید الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت که توسط شورای راهبردی الگوی اسلامی پیشرفت در حال تدوین و تصویب است و با توجه به ظرفیت‌های موجود در نظام آموزش عالی کشور ما شاهد بهبود فضای حاکم بر تربیت و در نهایت افزایش قدرت نرم آموزش عالی خواهیم بود.

برای بهبود مستمر فضای حاکم بر تربیت باید فضای حاکم را شناسایی کرد. چرا که اگر فضای حاکم درست تشخیص داده نشود؛ و یا ناقص شناسایی شود؛ تربیت اسلامی به صورت کامل محقق نخواهد شد. به‌عنوان مثال مسئله اقتصاد مورد توجه است ولی ده‌ها مسئله دیگر مورد غفلت واقع می‌شود.

لذا برای شناسایی صحیح بافت موضوعات بیرونی مؤثر بر تربیت، لازم است شناخت صحیحی از بافت ساختارهای اداره‌کننده جامعه وجود داشته باشد. چرا که عوامل بیرونی، جزئی از ساختارهای اداره‌کننده جامعه هستند. بنابراین به صورت منطقی می‌توان نتیجه گرفت؛ هر عامل بیرونی که بر مسئله تربیت تاثیرگذار است؛ منبعث از بخشی از ساختارهای اداره‌کننده جامعه است. لذا اگر تقسیمات ساختارهای اداره جامعه شناسایی شود، در واقع تقسیمات کلی بافت‌های بیرونی مؤثر بر تربیت بدست آمده است.

برای همین منظور اولین نقشه راه تولید الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت نظامات اداره‌کننده جامعه را در سه بخش طبقه بندی کرده است. نقشه راه معتقد است نظامات اداره‌کننده جامعه در یک تقسیم کلی به نظامات علمی، نظامات عینی و نظامات ذهنی تقسیم می‌شوند. و اولین نقشه راه تولید الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت شامل ۸۱ موضوع از نظامات ذهنی اداره‌کننده جامعه می‌باشد. البته باید دانسته شود که نقشه راه، نظامات ذهنی را ریشه مدیریت نظامات عینی و علمی می‌داند. در نقشه راه تولید الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بیان شده است که فضای حاکم بر نهادهای متکفل تربیت از طراحی‌های کلان ساختارهای اداره جامعه تبعیت می‌کنند. لذا در این نقشه راه هشتاد موضوع غیر مرتبط با تربیت و البته مؤثر بر آن به‌عنوان فضای حاکم بر تربیت و یک موضوع هم به‌عنوان مهره درونی تربیت شناسایی شده است.

در نقشه راه، بافت موضوعات مؤثر بر نهاد خانواده در سه دسته کلی - نگرش‌های تقنینی، اجرایی و قضایی مغایر با نهاد خانواده - طبقه‌بندی شده است. به عبارت دیگر بافت موضوعات مؤثر بر نهاد خانواده متأثر از بافت فعلی ساختارهای اداره کننده جامعه است.

طبق بررسی‌های صورت گرفته ریشه نگرش‌های ضد تربیت، مسئله الگوی اداره جامعه است. که این الگو متأثر از توسعه غربی است. به عبارت دیگر الگوی اقتصادی موجود بخشی از الگوی کلان توسعه (Development) برای اداره جامعه است. بنابر این نگرشی که در حوزه اقتصاد - یعنی صنعتی سازی تولید - و یا دیگر حوزه‌ها ایجاد شده است و اثر تخریبی بر مسئله تربیت دارد؛ حاصل الگوی توسعه غربی می‌باشد که امروزه در جامعه ما بر اساس آن عمل می‌شود.

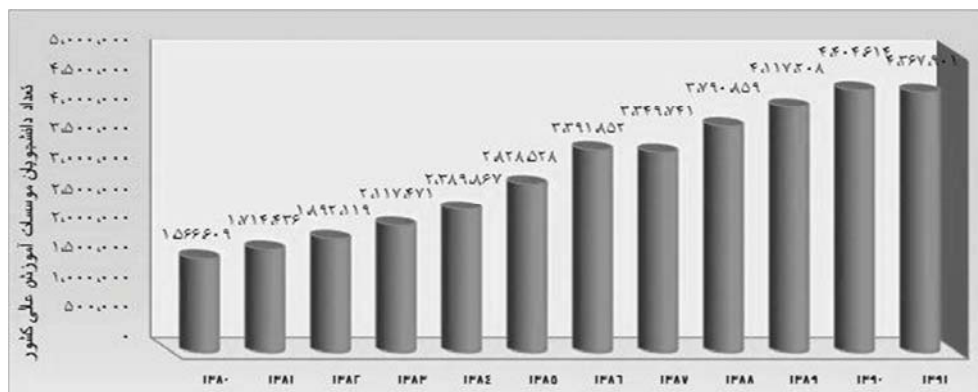
نقشه راه تولید الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت معتقد است، اگر تعداد معدودی از نگرش‌های مغایر با نهاد خانواده شناسایی شود و تبیین گردد که ریشه این نگرش‌ها الگوی اداره جامعه است؛ به تدریج زمینه طرح و تحقق این الگو ایجاد می‌شود. چرا که با معرفی توسعه غربی به عنوان ریشه نگرش‌های ضد نهاد خانواده، این الگو به چالش کشیده می‌شود. بنابر این ریشه عدم تحقق تربیت اسلامی در جامعه و نظام آموزش عالی کشور، عوامل بیرونی و یا فضای حاکم بر تربیت است؛ و فضای حاکم بر مسئله تربیت متأثر از بافت ساختارهای اداره کننده جامعه است. و به دلیل آنکه بافت ساختارهای اداره کننده جامعه متأثر از الگوی اداره جامعه است؛ می‌توان ریشه اصلی عدم تحقق تربیت اسلامی در کشور را بهره‌گیری از الگوهای ضد تربیت (توسعه محور) دانست.

برای تحقق مسئله تربیت اسلامی به شکل کلان، باید ساختارهای اداره جامعه بر اساس جهت حرکت انقلاب اسلامی تعدیل شود؛ لذا می‌توان گفت تفاوت نگاه نقشه راه با دیگر نگاه‌ها در این مسئله است که دیدگاه‌های دیگر معتقد هستند باید ابتدا ریز الگو ارائه شود؛ اما نقشه راه معتقد است؛ تغییر از ساختارهای کلان آغاز می‌شود. لذا نقشه راه برای اصلاح تربیت معتقد است باید از بررسی عوارض ضد تربیتی الگوی اداره جامعه آغاز کرد. به اعتقاد شورای راهبردی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، پیشنهاد ارائه شده در زمان حاضر قابلیت اجرا دارد، و می‌توان احکام برنامه ششم را بر اساس آن طراحی کرد. طرح‌های شورای راهبردی در مدت پنج سال اول به هیچ عنوان متعرض ساختار اداره جامعه نمی‌شود. بلکه فقط درخواست الصاق پیوست تربیت، پیشگیری و ... را به ساختارهای موجود مطرح می‌کند. البته به علت نگرش ساز بودن پیوست‌های پیشنهادی و پردازش آنها، الصاق پیوست‌ها منجر به اصلاح نگرش در بدنه ساختارها می‌شود که در نهایت به تغییر ساختارها نیز خواهد انجامید. (همان: ۳۳ - ۱۴) در نتیجه موجب افزایش کارکرد مثبت تربیتی آموزش عالی و تأمین اهداف و افزایش قدرت نرم انقلاب اسلامی خواهد شد.

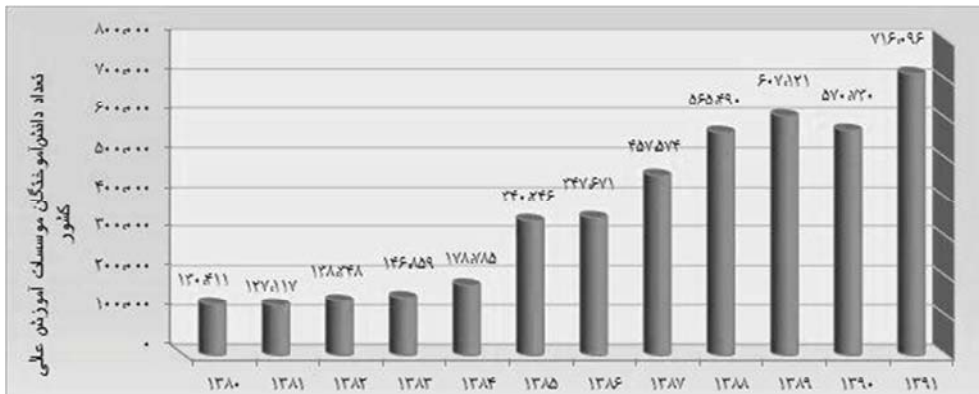
۳. توسعه منابع انسانی

با توجه به ظرفیت‌های آموزش عالی ایران و انقلاب اسلامی در بخش تربیت و توسعه نیروی انسانی متعهد و متخصص و آمارها و تحلیل روند پیشرفت‌هایی که در طی سی و پنج سال گذشته در این بخش شده است انتظار می‌رود رشد روزافزونی داشته باشیم، که در نهایت موجب استمرار و حفظ انقلاب، افزایش قدرت بین‌المللی و منطقه‌ای ایران و رسیدن به تمدن اسلامی و به طور خلاصه تأمین کننده اهداف انقلاب اسلامی خواهد بود. زیرا عمده‌ترین منبع استراتژیک هر سازمان و یا هر جامعه و شکل‌گیری تمدن منابع انسانی آن است. جوامعی در بلند مدت قرین موفقیت خواهند شد که بتوانند منابع انسانی خود را به طور صحیح و اصولی توسعه و پرورش دهند و همراه تقویت دانش و معرفت و مهارت‌های فنی لازم، افرادی پرکار و معتقد و مومن بسازد. (میرسپاسی، ۱۳۷۸: ۳۶۵) میزان رشد فزاینده جمعیت، توسعه و پیشرفت سریع و روزافزون تکنولوژی، تنوع مناسبات تولیدی و گسترش بی‌سابقه دامنه امور جوامع، پرورش و تأمین نیروی انسانی متخصص و متناسب با درجات توسعه کشورها ایجاب می‌کند. در هر جامعه‌ای مرتبه و جایگاه توسعه اقتصادی و اجتماعی بیش از آنچه به منابع مادی و امکانات عملی آن مربوط باشد، به مجموعه نیروی انسانی متخصص و آزموده، متکی است. (سرداری، ۱۳۷۲: ۳۶۸ - ۳۶۵) توسعه منابع انسانی در مسیر پیشرفت‌های سریع علم و تکنولوژی و تغییرات و تحولات ناشی از آنها، تنها پلی است که می‌تواند جامعه را از دنیای امروز به دنیای پر تغییر و تحول فردا و ایجاد تمدن رهنمون سازد.

علاوه بر موارد فوق می‌توان به افزایش آمار قشر تحصیل کرده، ارتقای معنویت و روحیه ایشار و نمادهای معنوی در آینده اشاره کرد. به استناد آخرین آمار شورای عالی انقلاب فرهنگی یک رشد ۱۷۸ درصدی تعداد دانشجویان مؤسسات آموزش عالی کشور را داشته ایم. یعنی شاخص تعداد دانشجویان طی سال‌های ۱۳۹۱ - ۱۳۸۰ روندی صعودی را داشته است، به طوری که از تعداد یک میلیون و ۵۶۶ هزار و ۶۰۹ نفر دانشجو در سال ۱۳۸۰ به تعداد چهار میلیون و ۳۶۷ هزار و ۹۰۱ نفر دانشجو در سال ۱۳۹۱ افزایش یافته است.



همچنین تعداد دانشجویان شاغل به تحصیل در مقاطع تحصیلات تکمیلی، از ۷۳ هزار و ۵۷۸ نفر در سال ۱۳۸۰ به تعداد ۵۱۳ هزار و ۶۶۱ نفر در سال ۱۳۹۱ افزایش یافته که این آمار نشان دهنده رشد ۶ برابری شاخص مذکور در بازه زمانی ۱۳۹۱ - ۱۳۸۰ است. تعداد دانشجویان خارجی شاغل به تحصیل در ایران در مقاطع تحصیلی مختلف (کاردانی، کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکترای تخصصی) از ۱۰۹ نفر در سال ۱۳۸۴ به تعداد هفت هزار و ۸۵۰ نفر در سال ۱۳۹۱ افزایش یافته است که نشان دهنده رشد ۷۱ برابری این شاخص در بازه زمانی ۱۳۹۱ - ۱۳۸۰ است. همچنین تعداد فارغ‌التحصیلان دانشگاهی در کشور از ۱۳۰ هزار و ۴۱۱ نفر در سال ۱۳۸۰ به ۷۱۶ هزار و ۹۶ نفر در سال ۱۳۹۱ رسیده است.



همچنین تعداد اعضای هیئت علمی تمام وقت در یک میلیون نفر جمعیت کشور از تعداد ۵۳۲ نفر در سال ۱۳۸۰ به ۹۰۲ نفر در سال ۱۳۹۱ بالغ شده است که نشان دهنده رشد ۷۰ درصدی این شاخص در دوره زمانی مذکور است (دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۴: ۴۷ - ۲۵)

ج) تأثیرات آینده کارکرد نشر و اشاعه دانش و ارزش آموزش عالی بر اهداف انقلاب اسلامی

براساس سند چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴، ایران پیشرو در توسعه مفاهیم الهام بخش علمی و پژوهش‌های بنیادی و ارتقادهنده تحقیقات توسعه‌ای و کاربردی علم و فناوری بوده و همچنین از ظرفیت جهانی توانمندسازی فارغ‌التحصیلان و بنگاه‌های دانش‌بنیان برای شکل‌دهی به الگوی دانش‌بنیان توسعه ملی، مبتنی بر مکتب اسلام برخوردار است. (سند چشم‌انداز دانشگاه تهران در افق ۱۴۰۴) مهم‌ترین تأثیرات آینده کارکرد نشر و اشاعه دانش و ارزش آموزش عالی در تأمین اهداف انقلاب اسلامی (حفظ انقلاب، ارائه الگوی اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی و قدرت جهانی انقلاب اسلامی) عبارتند از:

۱. جذابیت

وقتی جهان جذب ارزش‌های سیاسی و فرهنگی کشور شود این امر قدرت متقاعدسازی به‌خصوص در

بعد فرامولی نصیب آن می‌کند. دانشگاه در کنار سایر مراکز علمی و حوزوی می‌تواند با ارائه فرهنگ غنی و جذاب اسلامی دل‌های تشنه را مجذوب خود نماید. بی‌شک هر چقدر ما در این حوزه موفق شویم عمق استراتژیک خود را در جهان نفوذ دادیم. در این رابطه دانشگاه با توجه به ظرفیت‌ها و تحلیل روند معرفی اسلام ناب محمدی ﷺ، معرفی فرهنگ ایرانی - اسلامی توجه به اصالت‌های تاریخی در بحث اشاعه تولید علم، آینده موفق را برای قدرت نرم کشور به ارمغان می‌آورد. (الیاسی، ۱۳۸۸: ۶۳ و ۶۴)

۲. صدور انقلاب و الگو شدن

انقلاب از بطن اسلام برخاسته است، اسلام ناب، اسلام حقیقی؛ اسلام هم در نوع خودش نهضت بود بعد تبدیل شد به شکل و قیافه‌های دیگری که ما الان شاهدش هستیم. اگر اسلام نهضتی نبود در جهان گسترش پیدا نمی‌کرد. چیزی که در ماهیتش نهضت است رو به گسترش است نمی‌شود جلوی آن مانع ایجاد کرد. و چیزی که نهضتی است در ذاتش صدور وجود دارد. بدون صدور نهضت معنا ندارد و راز بقای اسلام هم در صدورش بوده است و نه در ظهورش. (سخنرانی آیت الله سید جواد نقوی از رهبران شیعیان پاکستان)

محققان با تحلیل مفاهیم ابتدایی این هدف و راه‌های رسیدن به آن، به این نتیجه رسیدند که صدور انقلاب هرگز میسر نمی‌شود مگر با تلاش برای الگو شدن در همه زمینه‌ها. از آن زمان ایران این هدف ارزشمند را در میان مهم‌ترین اهداف خود قرار داده و برای رسیدن به آن می‌کوشد. هم اکنون پس از گذشت سی و چند سال از انقلاب، ایران همچنان به دنبال الگو شدن و صدور انقلاب است. باید گفت رسیدن به این هدف بزرگ در جامعه امروز ایران، در گرو برقراری توازن و تناسب میان دو قطب به ظاهر متضاد «ثبات نهادمند» و «تغییرات زیربنایی» در حوزه‌های مختلف است. (هادی، www.parsine.com)

در این میان، آموزش عالی بیش از هر سازمان دیگر می‌تواند در صدور انقلاب اسلامی، نقش داشته باشد. با توجه به ظرفیت‌های موجود و تحلیل روند پیشرفت علمی ایران و رشد تحصیل دانشجویان خارجی در دانشگاه‌های ایران به‌ویژه دانشگاه جامعه‌المصطفی در دو بخش حضوری و مجازی نوید افزایش صدور تفکر انقلاب اسلامی و اسلام ناب به سراسر جهان را می‌دهد.

علاوه بر موارد فوق می‌توان به عدم وابستگی ایران به قدرتهای بیگانه در زمینه تکنولوژی و فناوری به‌ویژه فناوری برتر و صنعت و رسیدن به قدرت اقتصادی در منطقه در آینده ایران اشاره کرد.

د) تأثیرات آینده کارکرد جامعه‌پذیری و فرهنگ‌سازی آموزش عالی بر اهداف انقلاب اسلامی

تأثیرات آینده کارکرد جامعه‌پذیری و فرهنگ‌سازی آموزش عالی در تأمین اهداف انقلاب اسلامی (حفظ انقلاب، ارائه الگوی اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی و قدرت جهانی انقلاب اسلامی) عبارت است از:

۱. مشروعیت سیاسی

اگر دانشگاه بتواند تحرک اجتماعی را در اساتید، دانشجویان و طبعاً جامعه ایجاد نماید، باعث فعال‌سازی نیروهای اجتماعی و ایجاد شور و نشاط در عرصه‌های سیاسی - اجتماعی جامعه و ارتقای کارآمدی نظام سیاسی و مدیریت کشور می‌گردد. این اقدام می‌تواند پایه‌های مشروعیت مردمی و بین‌المللی نظام را که از مؤلفه‌های قدرت نرم است را افزایش دهد. جمهوری اسلامی ایران با بهره‌گیری از ظرفیت‌های عظیم دانشگاه همچون روند موجود می‌تواند اهداف راهبردی خود را پیگیری و به واسطه عمق و گستردگی دانشگاه سریع‌تر به اهداف سیاسی، فرهنگی و اجتماعی خود نائل گردد. (افتخاری، ۱۳۸۷: ۲۴۵)

۲. افق‌گشایی

انقلاب اسلامی با ظهور خود افق پیش روی بشریت را گشود. تمدن غربی، ساحت وجودی بشر و زندگی بشری را به ساحت مادی و ناسوتی آن تقلیل داده بود و جز مادیت افقی پیش روی بشر ترسیم نمی‌کرد. انقلاب اسلامی با وقوع خود افق‌های زندگی بشری را از سطح مادی فراتر برد و زندگی دینی، الهی و معنوی جدیدی را به جهان عرضه کرد. آموزش عالی کشور در خط مقدم عرضه این افق با توجه به نگاه روندشناسانه یعنی تحقق تدریجی آرمان‌ها و پیشرفت‌ها اقتضا می‌کند وسعتی به عقل و تفکر بشر و به تبع آن زندگی بشر بدهد و این گشایش نویددهنده تمدنی از جنس دیگر و با افق‌های بلندتر از تمدن کنونی است. (مظاهری، ۱۳۹۳: ۱۲۵ و ۱۲۶)

۳. احیای هویت دینی، گسترش و بیداری اسلام

ایران اسلامی توانسته است احیاگر اسلام، دین و معنویت در جهان باشد. به تعبیر پروفیسور محمد حسین هدی، اندیشمند مسلمان مقیم اتریش، «اگر بنا باشد تاریخی را برای احیای هویت دینی (در جهان معاصر) در نظر بگیریم، آن تاریخ ۱۹۷۹ میلادی است یعنی مقارن با پیروزی انقلاب اسلامی ایران که خیزش عظیمی برای تفکرات دینی در تمام ادیان به وجود آمده است و انقلاب اسلامی ایران موجب احیای تفکر دینی در جهان گشت». (حاجتی، ۱۳۸۱: ۵۹)

هویت گام نخست تمدن‌سازی است و بدون توجه به آن نمی‌توان به تمدن دست یافت. هویت فردی و جمعی، به طور خلاصه؛ یعنی تصویری که «من» از «خود» و «شما» از «خود» و «جامعه» از «خود» دارد. الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت که در مراحل پایانی تدوین است درصدد است تا تمدنی اسلامی ایرانی را به ارمغان بیاورد. اگر جامعه و افراد موجود در آن به‌ویژه قشر تحصیل کرده و دانشگاهی تصویری اسلامی - ایرانی از خود برسند، و به ثبات در هویت‌یابی برسند، خلق الگو گامی آسان در رسیدن به تمدن

مورد نظر خواهد بود زیرا هدف، قله و مقصد کاملاً مشخص است.

علاوه بر این با توجه به ظرفیت‌های موجود در آموزش عالی و تحلیل روند پیشرفت با الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، ایران به یکی از الگوهای منطقه و جهان تبدیل خواهد شد و موجب احیا و گسترش روزافزون اسلام و هویت دینی در جهان خواهد شد. احیا و گسترش اسلام چیزی نیست که تنها در کشورهای فقیر و جهان سوم اتفاق افتاده باشد بلکه در کشورهای اروپایی و آمریکایی هم با این پدیده روبه‌رو شده‌اند. ناظرانی که به کنترل جمعیت مسلمانان اروپا مشغولند تخمین می‌زنند که همه ساله هزاران زن و مرد به این دین گرایش می‌یابند و از این میان تنها تعداد معدودی به گروه‌های افراطی می‌پیوندند. (فورد، ۱۳۸۴: ۳۲ - ۱۶) روزنامه گاردین نیز چندی پیش، براساس مطالعات مرکز تحقیقات پیو، رشد جمعیت مسلمانان اروپا را ۳۵ درصد اعلام و پیش‌بینی کرد که در سال ۲۰۳۰ م جمعیت مسلمانان پیش از ۱۰ درصد کل جمعیت ده کشور اروپایی را تشکیل می‌دهد. (www.tebyan.net)

آموزش عالی کشور با توجه به نگاه روندشناسانه افزایش تولید علم و فناوری، تربیت نخبگان و معرفی فرهنگ ناب اسلامی اقتضا می‌کند نقش بیشتری در گسترش و بیداری اسلام و احیای هویت دینی در آینده منطقه و جهان ایفا نماید.

علاوه بر موارد فوق می‌توان به معرفی اسلام ناب، جهان‌گرایی تمدن اسلامی، تقویت جنبش‌های جدید اجتماعی و فرهنگ استکبارستیزی و استقلال‌خواهی در آینده جهان اشاره کرد.

جمع بندی

مبتنی بر بررسی «آینده انقلاب اسلامی و قدرت نرم آموزش عالی»، در تأمین اهداف انقلاب اسلامی براساس اسناد بالادستی از جمله سند چشم‌انداز، نقشه جامع علمی کشور و الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و روش روندشناسی و ظرفیت‌شناسی در چهار گفتار تولید علم و فناوری، انتقال دانش و ارزش، نشر و اشاعه دانش و ارزش و جامعه‌پذیری و فرهنگ‌سازی مورد تحلیل قرار گرفت.

از آنجا که تحول علمی فناوران در عصر جدید بر «ابتکار» و «خلاقیت» استوار است و از سویی کشور ما به دلیل فراوانی نیروی انسانی تحصیل کرده و متخصص که نقش مهمی در پدید آمدن مزیت رقابتی ایفا می‌کند. بنابراین مهم‌ترین تأثیرات آینده کارکرد تولید علم و فناوری آموزش عالی در تأمین اهداف انقلاب اسلامی (حفظ انقلاب، ارائه الگوی اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی و قدرت جهانی انقلاب اسلامی) عبارت بودند از: ارائه تصویری مثبت از انقلاب اسلامی، مرجعیت علمی، اقتدار علمی و شکل‌گیری تمدن اسلامی و ...

مهمترین تأثیرات آینده کارکرد تربیتی آموزش عالی در تأمین اهداف انقلاب اسلامی (حفظ انقلاب، ارائه الگوی اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی و قدرت جهانی انقلاب اسلامی) عبارت بودند از: توسعه منابع انسانی، بهبود مستمر فضای حاکم بر تربیت و اصلاح نگرش‌های ضد تربیتی در نظام آموزش عالی و

مهم‌ترین تأثیرات آینده کارکرد نشر و اشاعه دانش و ارزش آموزش عالی در تأمین اهداف انقلاب اسلامی (حفظ انقلاب، ارائه الگوی اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی و قدرت جهانی انقلاب اسلامی) نیز عبارت بودند از: جذابیت و صدور انقلاب و الگو شدن و

و مهم‌ترین تأثیرات آینده کارکرد جامعه‌پذیری و فرهنگ‌سازی آموزش عالی در تأمین اهداف انقلاب اسلامی (حفظ انقلاب، ارائه الگوی اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی و قدرت جهانی انقلاب اسلامی) عبارت بودند از: مشروعیت سیاسی، افق‌گشایی و احیای هویت دینی، گسترش و بیداری اسلامی و

منابع و مآخذ

۱. افتخاری، اصغر، ۱۳۹۰، *سخت افزار گرایی نوین*، در: جانان استیل، قدرت نرم در برابر قدرت سخت، محمد جواد هراتی، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۲. افتخاری، اصغر، ۱۳۸۷، *قدرت نرم، فرهنگ و امنیت*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام و پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
۳. افتخاری، اصغر، ۱۳۹۰، *کاربرد قدرت نرم: تحلیلی بر ظرفیت‌های راهبردی دفاع مقدس*، در: محمد جانی پور، دفاع مقدس و قدرت نرم، تهران، دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۴. اکبری، کمال، *انقلاب اسلامی و تاثیر آن در نظام جهانی*، سایت: <http://kamalakbari.simablog.ir>
۵. الیاسی، محمد حسین، ۱۳۸۸، *ماهیت و عناصر قدرت نرم*، تهران، نشر ساقی.
۶. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با نخبگان، ۱۳۸۷/۲/۱۷
۷. بیانات مقام معظم رهبری در هنگام حلول سال ۱۳۷۳، ۱۳۷۳/۱/۱
۸. تافلر، الوین، ۱۹۹۳، *جنگ و پادجنگ*، تهران، اطلاعات.
۹. جمالزاده، ناصر، ۱۳۸۷، *نقش بسیج در تولید و توسعه قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران*، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷، *جامعه در قرآن*، قم، اسراء.
۱۱. حاجتی، میراحمد رضا، ۱۳۸۱، *عصر امام خمینی علیه السلام*، قم، بوستان کتاب.
۱۲. خبرگزاری اهل بیت: «مسلمان شدن یک پنجم اروپا تا چهل سال آینده»: www.abna.ir

۱۳. دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۴، *روند تحولات شاخص‌های علم و فناوری جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۰ - ۱۳۹۱)*: www.NIORDC.ir/uploads/karnameh.
۱۴. دی تور، جیمز، ۱۳۷۸، *آینده پژوهی به عنوان دانشی کاربردی*، مترجمان، سید احمد ابراهیمی، عقیل ملکی فر، تهران، *فصلنامه علمی و پژوهشی سیاست و رهافت*، ش ۲۰.
۱۵. سایت تبیان: «گاردین: رشد جمعیت مسلمانان اروپا ۳۵ درصد است»: www.tebyan.net.
۱۶. سایت: دفتر مقام معظم رهبری
۱۷. سرداری، الف، ۱۳۷۲، *اثرات تحقیق و توسعه در ارتقاء کیفیت نیروی انسانی*، *مجموعه مقالات دومین سمینار علم، تکنولوژی و توسعه*، دانشگاه صنعتی امیر کبیر، تهران.
۱۸. *سند چشم انداز دانشگاه تهران در افق ۱۴۰۴*.
۱۹. علی بابایی محمدرسول، ۱۳۹۳، *الگوی بهبود مستمر فضای حاکم بر نهادهای متکفل تربیت*، شورای راهبردی الگوی پیشرفت اسلامی، تهران.
۲۰. علی بابایی، محمدرسول، ۱۳۹۳، *تبیین جهت حرکت دانشگاه در ایران*، شورای راهبردی الگوی پیشرفت، تهران.
۲۱. فورد، پیتر، ۱۳۸۴، «*زنان اروپایی و گرایش به اسلام*»، *سیاحت غرب*، س ۳، ش ۳۲.
۲۲. کریمی مله، علی، ۱۳۸۰، *یادداشت سردبیر، فصلنامه مطالعات ملی*، ویژه نامه حوزه تمدن ایرانی، س ۲، ش ۷.
۲۳. گودرزی، غلامرضا، ۱۳۸۷، *فرهنگ بسیجی و نظام تصویر سازی آینده نگرانه از منظر قدرت نرم*، در: اصغر افتخاری و دیگران، *قدرت نرم، فرهنگ و امنیت*، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام و پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
۲۴. مطهری، مرتضی، ۱۳۶۸، *مجموعه آثار (جهان بینی توحیدی)*، ج ۲، قم، صدرا.
۲۵. _____، ۱۳۶۸، *مجموعه آثار (انسان و ایمان)*، ج ۲، قم، صدرا.
۲۶. _____، ۱۳۶۸، *مجموعه آثار*، ج ۱۳، قم، صدرا.
۲۷. مظاهری، ابوذر، ۱۳۹۳، *افق تمدنی آینده انقلاب اسلامی*، اصفهان، آرما.
۲۸. منزوی، مسعود، ۱۳۸۹، *انتخاب روش‌های آینده پژوهی*، تهران، مرکز آینده پژوهی علوم و فنون دفاعی.
۲۹. میر سپا سی، ناصر، ۱۳۷۸، *مدیریت منابع انسانی و روابط کار*، مؤسسه چاپ و انتشارات مرکز آموزشی مدیریت دولتی، تهران.

۷۴ □ فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، س ۱۴، تابستان ۹۶، ش ۴۹

۳۰. نقوی، سید جواد، از رهبران شیعیان پاکستان، سخنرانی، دانشگاه امام صادق علیه السلام، خرداد ۸۹.

۳۱. هادی، علی رضا، بی تا، تحلیلی بر آینده انقلاب اسلامی ایران، سایت:

<http://www.parsine.com/fa/news>

۳۲. هانتینگتون، ساموئل، ۱۳۷۸، برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی، ترجمه محمد علی حمید رفیعی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.